

الله أكبر

به نام خداوند جان و خرد



دانشگاه علامه طباطبائی
پایان‌نامه کارشناسی ارشد
زبان و ادبیات فارسی

موضوع:

بررسی ساحت و جنبه‌های شخصیت در پنج رمان معاصر زنان
(انگار گفته بودی لیلی، زیر آفتاب خوش خیال عصر، نگران نباش، پرنده‌ی من، آخرین بازی بانو)

استاد راهنما:

دکتر محمود بشیری

استاد مشاور:

دکتر احمد تمیم داری

دانشجو:

مرضیه دهقان نیری

بهمن‌ماه ۱۳۹۰

فرم گردآوری اطلاعات پایان نامه ها

کتابخانه مرکزی دانشگاه علامه طباطبائی

عنوان: بررسی ساحت و جنبه های شخصیت در پنج رمان معاصر زنان (انگار گفته بودی لیلی، زیر آفتاب خوش خیال عصر، نگران نباش، پرنده ی من، آخرین بازی بانو)		
نویسنده / محقق: مرضیه دهقان نیری		
مترجم:		
استاد راهنما: دکتر محمود بشیری	استاد مشاور / استاد داور: دکتر احمد تمیم داری / دکتر شیخ مونس	
کتابنامه: دارد	واژه نامه: دارد	
نوع پایان نامه: <input checked="" type="checkbox"/> بنیادی <input type="checkbox"/> توسعه ای <input type="checkbox"/> کاربردی		
مقطع تحصیلی: کارشناسی ارشد	سال تحصیلی: ۱۳۹۰	
محل تحصیل: تهران	نام دانشگاه: علامه طباطبائی	دانشکده: ادبیات و زبان فارسی
تعداد صفحات: ۲۳۸ صفحه	گروه آموزشی: زبان و ادبیات فارسی	
کلید واژه ها به زبان فارسی:		
داستان، رمان، شخصیت، شخصیت پردازی، کنش، گفت و گو، روانشناسی شخصیت		
کلید واژه ها به زبان انگلیسی:		
fiction , novel , character , characterization , action ,dialogue , psychology of character		

چکیده

الف. موضوع و طرح مسئله: (اهمیت موضوع و هدف): داستان سرایی قدمتی به اندازه ی زندگی فکری بشر دارد. داستان و در کل روایت داستانی تجلی اندیشه ی فرد نویسنده در متن داستانی اش است. رمان آینه ی تمام نمای آن چیزی است که ما آن را زندگی می نامیم. و از اهمیت چشم گیری در بین ادب دوستان و ادب پژوهان دارد. نویسنده با استفاده از تمهیداتی که مخصوص این نوع ادبی است، تجربه های بشر را به شیوه ای نو بازگو می کند و آن را می آفریند. این تمهیدات همچون پیرنگ، درونمایه و شخصیت با یکدیگر ترکیب می شوند و ساختار یک داستان را استحکام می بخشند. از بین عناصر داستان، شخصیت از جایگاه ویژه ای برخوردار است و هیچ اثر روایی وجود ندارد که شخصیت در آن حذف شده باشد. بنابراین به دلیل جایگاه ویژه ی شخصیت در رمان مدرن به بررسی آن در پنج رمان موفق امروز پرداخته ایم.

ب. مبانی نظری شامل مرور مختصری از منابع، چارچوب نظری و پرسشها و فرضیه ها: در این پژوهش سعی بر آن شده است، منابعی را که در خصوص ادبیات داستانی و به خصوص شخصیت و شخصیت پردازی تألیف و یا ترجمه شده است، مطالعه شود و در بررسی شخصیت رمان ها مورد استفاده قرار گیرد. پرسش هایی که در این پایان نامه مطرح می شود شامل سؤالاتی از این قبیل است: این رمان ها دارای چه ویژگی های شخصیت پردازی هستند که جزء آثار مدرن محسوب می شوند و تا چه حد به این ویژگی ها پایبند بوده اند؟ و آیا زن بودن نویسندگان این رمان ها، بر روی نوشتار و نحوه ی شخصیت پردازی آن ها تأثیر داشته است؟ و تا چه اندازه نگاه زنانه در داستان ها دیده می شود؟

پ. روش تحقیق شامل تعریف مفاهیم، روش تحقیق، جامعه ی مورد تحقیق، نمونه گیری و روشهای نمونه گیری، ابزار اندازه گیری، نحوه ی اجرای آن، شیوه ی گردآوری و تجزیه و تحلیل داده ها: در این نوشتار سعی شده است که شخصیت و شخصیت پردازی از تمام ابعاد آن بررسی شود. از لحاظ کنش داستانی، گفت و گو، نام شناسی، فضای اثر و روانشناسی شخصیت. در فصل اول کلیه ی مفاهیم و نظریاتی که در خصوص شخصیت وجود دارد به طور خلاصه معرفی شده است و در فصول بعدی که پنج فصل دیگر آن را تشکیل می دهند، به بررسی و تطبیق این نظریات در داستان پرداخته شده است.

ت. یافته های تحقیق: این پنج رمان تا حدودی از ویژگی های شخصیت پردازی مدرن بهره گرفته اند و این یافته با بررسی شخصیت در رمان ها به دست آمد. و اما نکته ی بعدی که با بررسی این پنج رمان حاصل شد، نگاه زنانه ای است که در آن ها وجود دارد؛ اول از همه این که شخصیت های اصلی رمان ها همه زن هستند و داستان ها بر محور احساسات و اعمال آن ها شکل گرفته است.

ث. نتیجه گیری و پیشنهادات: با توجه به اهمیت رمان در محافل ادبی امروز و همچنین ظهور نویسندگان جوان در این عرصه، بررسی و تحلیل آثار این رمان پردازان جوان بر پژوهشگران لازم است؛ زیرا این آثار در دوره ی زمانی کنونی نوشته شده اند که علاوه بر روشن شدن مسائل سیاسی و اجتماعی که در نوشتار آن ها حاضر است، تکنیک و فرم روایی این آثار نیز بررسی می شوند.

صحت اطلاعات مندرج در این فرم براساس محتوای پایان نامه و ضوابط مندرج در فرم را گواهی می نمایم.

نام استاد راهنما: دکتر محمود بشیری

سمت علمی: دانشیار گروه زبان و ادبیات فارسی

نام دانشکده: زبان و ادبیات فارسی

رئیس کتابخانه:

چکیده:

داستان سرایی قدمتی به اندازه ی زندگی فکری بشر دارد. داستان و در کل روایت داستانی تجلی اندیشه ی فرد در متن داستانی اش است. قصه، داستان، رمان و در مجموع روایت داستانی زاینده ی تخیل است. رمان آینه ی تمام نمای آن چیزی است که ما آن را زندگی می نامیم. رمان مجموعه تجربه های زندگی ما انسان هاست؛ تجربه های تاریخی، اجتماعی و حتی روان شناختی. و این نویسنده است که با استفاده از تمهیداتی که مخصوص این نوع ادبی است، این تجربه ها را دوباره به شیوه ای نو بازگو می کند و آن را می آفریند. این تمهیدات همچون پیرنگ، درونمایه و شخصیت با یکدیگر ترکیب می شوند و ساختار یک اثر را استحکام می بخشند. از بین عناصر داستان، شخصیت از جایگاه ویژه ای برخوردار است و هیچ اثر روایی وجود ندارد که در آن شخصیت حذف شده باشد خواه این شخصیت یک شخصیت انسانی و یا حتی یک شیء باشد. شخصیت پردازی نیز در پدید آمدن یک رمان موفق نقش به سزایی دارد به خصوص گفت و گو و کنش شخصیت های داستانی در شخصیت پردازی داستان اهمیت به سزایی دارد. ما در این نوشتار به بررسی شخصیت و شخصیت پردازی در پنج رمان معاصر زنان که جزء رمان های مدرن محسوب می شوند (بازی آخر بانو، انگار گفته بودی لیلی، زیر آفتاب خوش خیال عصر، پرنده ی من و نگران نباش) با توجه به نظریه ها و رویکردهایی که تا کنون در خصوص آن بیان شده است پرداخته ایم و در هر فصل بخشی را نیز به روانشناسی شخصیت اختصاص داده ایم. به این منظور خواهیم دید که این نویسندگان تا چه اندازه به شخصیت پردازی مدرن پایبند بوده اند و این که آیا نگاه زنانه در شخصیت پردازی رمان ها وجود دارد یا نه؟ و در انتها با بررسی این رمان ها به این سؤالات پاسخ خواهیم داد.

کلیدواژه ها: داستان، رمان، شخصیت، شخصیت پردازی، کنش، گفت و گو، روانشناسی شخصیت

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۱	مقدمه
	فصل اول: کلیات و مفاهیم
۷	۱-۱) رمان چیست
۱۰	۲-۱) رابطه ی رمان با ادبیات
۱۱	۳-۱) شکل گیری رمان
۱۳	۴-۱) رمان در ایران
۱۴	۱-۴-۱) رمان رئالیستی
۱۶	۲-۴-۱) رمان مدرن
۱۸	۳-۴-۱) رمان پسامدرن
۱۹	۵-۱) عناصر داستان
۲۰	الف) طرح
۲۰	۱. شروع
۲۰	۲. ناپایداری و گره افکنی
۲۱	۳. عدم تعادل و کشمکش
۲۱	۴. بحران
۲۲	۵. گسترش
۲۲	۶. تعلیق
۲۲	۷. نقطه ی اوج
۲۲	۸. گره گشایی
۲۲	۹. پایان بندی
۲۳	ب) درونمایه
۲۴	۶-۱) شخصیت
۲۶	۱-۶-۱) پیشینه ی شخصیت
۲۸	۲-۶-۱) شخصیت داستانی وجودی واقعی
۳۱	۳-۶-۱) شخصیت ها چگونه ساخته می شوند

۳۴	۷-۱) انواع شخصیت پردازی
۳۸	۱-۷-۱) شخصیت سازی مستقیم
۳۹	۲-۷-۱) شخصیت سازی غیر مستقیم
۴۰	۱-۲-۷-۱) کنش
۴۲	۲-۲-۷-۱) گفت و گو و لحن
۴۵	الف) تک گویی، مونولوگ
۴۶	ب) تک گویی درونی
۴۶	ج) تک گویی نمایشی
۴۶	د) حدیث نفس
۴۷	ه) چندصدایی
۴۷	۳-۷-۱) زاویه ی دید
۴۸	الف) راوی دانای کل
۴۸	ب) راوی دانای کل نمایشی
۴۸	ج) راوی سوم شخص محدود
۴۹	د) راوی اول شخص محدود
۴۹	۴-۷-۱) نام
۵۰	۱-۴-۷-۱) شکل شناسی اسم های داستانی
۵۱	۲-۴-۷-۱) زاویه ی دید
۵۲	۳-۴-۷-۱) خطاب
۵۲	۵-۷-۱) محیط (مکان و فضای داستان)
۵۴	۶-۷-۱) وضعیت ظاهری
۵۴	۸-۱) روانشناسی شخصیت
۵۷	۹-۱) انواع شخصیت در داستان
۶۱	الف) شخصیت های قالبی
۶۱	ب) شخصیت های قراردادی
۶۱	ج) شخصیت مخالف
۶۲	د) شخصیت مقابل

۶۲	ه) ضد قهرمان
۶۳	و) شخصیت های فرعی
	فصل دوم: رمان بازی آخر بانو
۶۶	۱-۲) زندگی نامه ی بلقیس سلیمانی
۶۷	۲-۲) خلاصه ی داستان بازی آخر بانو
۶۸	۳-۲) نکاتی چند درباره ی این رمان
۷۱	۴-۲) شخصیت پردازی مستقیم
۷۴	۵-۲) کنش
۷۹	۶-۲) گفت و گو
۸۳	۷-۲) نام
۸۶	۱-۷-۲) خطاب
۸۶	۸-۲) محیط (مکان و فضا)
۸۸	۹-۲) روانشناسی شخصیت
۹۰	۱۰-۲) انواع شخصیت در داستان
۹۶	۱۱-۲) شخصیت های فرعی
۹۷	۱۲-۲) نقاط ضعف در شخصیت پردازی
	فصل سوم: رمان انگار گفته بودی لیلی
۹۹	۱-۳) نگاهی کوتاه به زندگی سپیده شاملو
۱۰۰	۲-۳) خلاصه ی داستان انگار گفته بودی لیلی
۱۰۱	۳-۳) نکاتی چند درباره ی رمان
۱۰۴	۴-۳) شخصیت سازی مستقیم
۱۰۶	۵-۳) کنش
۱۱۰	۶-۳) گفت و گو
۱۱۳	۷-۳) نام
۱۱۴	۸-۳) محیط (مکان و فضا)
۱۱۶	۹-۳) روانشناسی شخصیت
۱۱۸	۱۰-۳) انواع شخصیت در داستان

۱۲۲	۱۱-۳) شخصیت های فرعی
۱۲۳	۱۲-۳) نقاط ضعف در شخصیت پردازی
	فصل چهارم: زیرآفتاب خوش خیال عصر
۱۲۶	۱-۴) جیران گاهان
۱۲۶	۲-۴) خلاصه ی داستان
۱۲۸	۳-۴) قصه ی دختر نارنج و ترنج
۱۲۹	۴-۴) نکاتی چند درباره ی رمان
۱۳۲	۵-۴) شخصیت پردازی مستقیم
۱۳۵	۶-۴) کنش
۱۳۷	۷-۴) گفت و گو
۱۴۳	۸-۴) نام
۱۴۵	۹-۴) محیط (مکان و فضا)
۱۴۸	۱۰-۴) روانشناسی شخصیت
۱۵۴	۱۱-۴) انواع شخصیت در داستان
۱۵۷	۱۲-۴) شخصیت های فرعی
۱۵۸	۱۳-۴) نقاط ضعف در شخصیت پردازی
	فصل پنجم: رمان پرنده ی من
۱۶۰	۱-۵) نگاهی به دیگر آثار و زندگی فریبا وفی
۱۶۱	۲-۵) خلاصه ی داستان پرنده ی من
۱۶۲	۳-۵) نکاتی چند درباره ی رمان
۱۶۴	۴-۵) شخصیت پردازی مستقیم
۱۶۷	۵-۵) کنش
۱۷۰	۶-۵) گفت و گو
۱۷۴	۷-۵) نام
۱۷۷	۸-۵) محیط (مکان و فضا)
۱۷۸	۹-۵) روانشناسی شخصیت
۱۸۲	۱۰-۵) انواع شخصیت در داستان

۱۸۴	۱۱-۵) شخصیت های فرعی
	فصل ششم: رمان نگران نباش
۱۸۶	۱-۶) نگاهی کوتاه به آثار مهسا محب علی
۱۸۷	۲-۶) خلاصه ی داستان نگران نباش
۱۸۸	۳-۶) نکاتی چند درباره ی رمان
۱۹۲	۴-۶) شخصیت پردازی مستقیم
۱۹۵	۵-۶) کنش شخصیت های داستانی
۱۹۸	۶-۶) گفت و گو در داستان
۲۰۱	۷-۶) نام
۲۰۲	۸-۶) محیط (مکان و فضا)
۲۰۸	۹-۶) روانشناسی شخصیت
۲۱۱	۱۰-۶) انواع شخصیت در داستان
۲۱۴	۱۱-۶) شخصیت های فرعی
۲۱۶	نتیجه گیری
۲۱۹	واژه نامه
۲۲۴	کتابنامه

مقدمه

بهتر آن باشد که سرِ دلبران گفته آید در حدیثِ دیگران

داستان سرایی قدمتی به اندازه ی زندگی فکری بشر دارد. بازگشت به خود، طرح مسائل فلسفی، اجتماعی و حتی روان شناختی در کهن ترین آثار داستانی بشر وجود دارد. خواه این داستان شفاهی گفته یا به صورت کتبی نوشته شده باشد. داستان و در کل روایت داستانی تجلی اندیشه ی فرد در متن داستانی اش است. انسان موجودی متفکر و خیال پرداز است و همین تخیلات و تفکرات است که او را به شگفت انگیزترین اختراعات و ابداعات رسانده است. قصه، داستان، رمان و در مجموع روایت داستانی زاینده ی همین تخیل است. تخیل انسانی است که می تواند وقایع را ثبت کند و در قالب ژانری به نام رمان و داستان بازآفرینی کند. قسمتی از این داستان واقعیت دارد و وقایعی است که برای خود نویسنده و یا دیگری اتفاق افتاده است و بخشی از آن نیز، آرزوهایی است که همواره بشر در پی دست یافتن به آن است که گاهی کامیاب و گاهی ناکام می شود. و بخشی از این داستان سمبلیک و نمادین است، چیزی که بوده و یا باید باشد. و اصل و اساس آن بر پایه ی همین تخیل بشر قرار دارد.

تخیل تا آن حد در داستان نقش دارد که نیچه کل داستان را دروغ می خواند. بنابراین بهره گیری از تخیل و احساس برانگیزی از آن، ویژگی داستان است که این تخیل موجب لذت در خواننده می شود و داستان بیشتر از این که بیان دقیق واقعیت برای تأثیر گذاردن بر عقل باشد، به آفرینش فضایی تخیلی برای انگیزش حس خواننده تأکید دارد و اصل داستان همین ایجاد لذت در خواننده است. و در این جاست که رابطه ی داستان با ادبیات آشکار می شود. هدف ادبیات بیان حقیقت نیست. بلکه ضمن لذت بخشیدن به خواننده برای او پرسش هم مطرح کند. حقیقت نهفته در یک متن داستانی قائم به ذات است.

رمان آینه ی تمام نمای آن چیزی است که ما آن را زندگی می دانیم. رمان مجموعه ی تجربه های زندگی ما انسان هاست؛ تجربه های تاریخی، اجتماعی و روان شناختی. و به همین دلیل است که از اهمیت ویژه ای برخوردار است.

هنگامی که خواننده شروع به خواندن داستان می کند، در دنیایی غرق می شود که نویسنده آن را ساخته است و به این ترتیب، خواننده به دنیای دیگری پا گذاشته است دنیایی که متعلق به دیگری است و در احساسات و عواطف و تجربیاتی سهیم شده است که از آن شخص دیگری است و این حس است که به ارضای روح کنجکاو آدمی می پردازد و شخص را به خواندن رمان و داستان ترغیب می کند.

ادبیات داستانی و به خصوص رمان در اروپا از قرن هجدهم به شکوفایی رسید ولی این ژانر با تمام خصوصیات یک رمان به شکل امروزی آن در ایران قدمتی صدساله دارد. البته این بدان معنا نیست که در گذشته در ایران ادبیات داستانی وجود نداشته است. داستان ها و قصه هایی مانند "سمک عیار" و یا داستان های "شاهنامه" که هر کدام فرم روایی داشته اند صدها سال پیش در ایران شکل گرفته اند، ولی آن چیزی که امروزه به آن رمان می گویند، در صد سال اخیر به رشد و شکوفایی قابل توجهی رسیده است. و نویسندگان بزرگی در این عرصه ظهور کرده اند. از جمله بزرگان و صاحب سبکهای همچون: صادق هدایت، هوشنگ گلشیری، بهرام صادقی، سیمین دانشور و ... که در خصوص آثار این بزرگان تا کنون کتاب

ها، مقالات و پایان نامه های بسیاری نوشته شده است که هرکدام جنبه ای از آثار آن ها را روشن ساخته اند. در چند دهه ی اخیر نیز نویسندگان جوانی پا به این عرصه گذاشته اند و رنگ و بویی تازه به داستان نویسی امروز بخشیده اند.

در بین این نویسندگان، زنان نیز خوش درخشیده اند و آثار برجسته ای را از خود به جای گذاشته اند. در دهه های پیشین زنان در عرصه ی داستان نویسی بسیار کم رنگ بودند و زنان نویسنده ای همچون سیمین دانشور و یا منیرو روانی پور بسیار نادر بودند. اما امروزه با پیشرفت روزافزون زنان در مجامع علمی و اجتماعی، حضور آنان در دنیای داستان و رمان نیز بسار چشم گیر شده است و آن ها توانسته اند سهم درخور توجهی را در داستان نویسی از آن خود کنند.

در نگاه امروز، نویسندگان زن به دو گروه تقسیم می شوند؛ دسته ی اول زنانی که مدافع وضع موجود هستند و به گفتمان غالب تن در می دهند که غالباً با جامعه ی مردسالاری کنار می آیند و حتی در تأیید آن می نویسند و دسته ی دوم، نویسندگان زنی که منتقد این وضعیت داستان می نویسند و هدف آن ها اصلاح وضع موجود است. و البته این بدین معنا نیست که آن ها داستان های خود را به یک بیانیه تبدیل کرده اند و زبان صریح را برای انتقال هدف خود برگزیده اند که در این صورت از ارزش هنری آثار آن ها کاسته می شود.

نگارنده در این نوشتار، به بررسی ساحت و جنبه های شخصیت در پنج رمان معاصر زنان پرداخته است. هنگامی که نام داستان و ادبیات داستانی به گوش می رسد، بلافاصله در کنار آن شخصیت و شخصیت پردازی نیز سربرمی آورد. در زمینه ی شخصیت پردازی در ادبیات کهن، "شاهنامه ی فردوسی" را باید اثری دانست که در قالب های رایج زمان خود، برای نخستین بار موفق به آفرینش شخصیت های داستانی شده است. و حتی به معیار شخصیت پردازی در ادبیات امروز جهان بسیار نزدیک است. در شاهنامه، شخصیت ها به گونه ای مطلق با ویژگی های ذاتی از مادر زاده نمی شوند. اما مفهوم شخصیت در آثار ادبی، مانند

سایر پدیده های دنیای هنر که با گذر زمان و عبور از پیچ و خم های زندگی، همواره دستخوش تغییر و تحول شده اند، تغییر کرده است. (دقیقیان: ۵)

شخصیت رکن اصلی و اساسی داستان است و هیچ داستانی وجود ندارد که در آن شخصیت حضور نداشته باشد. سید فیلد می گوید: «ماجرا همان شخصیت است.» معنای گفته ی سید فیلد چیزی جز این نیست که ماجرای هر داستانی حول یک شخصیت شکل می گیرد. ماجرا از او شروع و به او ختم می شود. (سناپور ۱۳۸۳: ۴۳)

با توجه به جایگاه ویژه ی شخصیت در ادبیات داستانی، نگارنده سعی کرده است که نگاهی همه جانبه به شخصیت در پنج رمان زنان نویسنده ای همچون: بلقیس سلیمانی، سپیده شاملو، جیران گاهان، فریبا وفی و مهسا محب علی داشته باشد و نقش شخصیت و شخصت پردازی را در آثار این نویسندگان بررسی کند. رمان تمامی این نویسندگان به جز خانم جیران گاهان، صاحب جایزه های ادبی شده اند. و با این که کار خانم گاهان اولین اثر او محسوب می شود، از لحاظ فرم، تکنیک و محتوا بسیار جالب توجه است و در بررسی آن روشن خواهد شد که کار ایشان قابل تأمل است.

بررسی و تحلیل کار این رمان پردازان جوان بر پژوهشگران لازم است زیرا این آثار در دوره ی زمانی کنونی نوشته می شوند و آن ها را جزء رمان های مدرن می دانند، علاوه بر روشن شدن مسائل اجتماعی و سیاسی که در نوشتار آن ها حاضر است، تکنیک و فرم روایی این آثار نیز بررسی می شود.

در این نوشتار سعی شده است که شخصیت و شخصیت پردازی از تمام ابعاد آن بررسی شود. از لحاظ کنش داستانی، گفت و گو، نام شناسی داستانی، فضای اثر، روانشناسی شخصیت و انواع شخصیت داستانی. در فصل اول کلیات و مفاهیم و نظریاتی که در خصوص شخصیت و شخصیت پردازی وجود دارد، به طور خلاصه معرفی شده است و در

فصول بعدی که پنج فصل دیگر آن را تشکیل می دهند، به بررسی این نظریات در داستان‌ها پرداخته شده است.

هدف از این نوشتار بررسی رمان‌هایی است که تقریباً در یک محدوده زمانی نوشته شده‌اند و آن‌ها را مدرن می‌دانیم، پرسش اساسی این است که این رمان‌ها دارای چه ویژگی‌های شخصیت‌پردازی هستند که جزء آثار مدرن به حساب می‌آیند؟ و تا چه حد به این ویژگی‌ها پایبند بوده‌اند؟

هدف بعدی آن، بررسی این نکته است که آیا زن بودن نویسندگان این رمان‌ها، بر روی نوشتار و نحوه‌ی شخصیت‌پردازی آن‌ها تأثیر داشته است؟ و تا چه اندازه نگاه زنانه در داستان‌ها دیده می‌شود؟

فصل اول

کلیات و مفاهیم

۱-۱) رمان چیست؟

در تعریف رمان نظریات بسیار متفاوتی ارائه شده است که جمع کردن بین آن ها کاری بس دشوار است و یکی از دلایل این تعاریف متفاوت، تفاوت در دیدگاه هاست.

اصطلاح رمان بر نوشته های گوناگونی اطلاق می شود که تنها وجه مشترکشان در این است که مفصل، منثور و داستانی هستند. رمان از این جهت که روایتی است مبسوط، از داستان کوتاه و نیز داستان بلند، تمییز داده می شود. حجیم تر و مفصلتر بودن رمان اجازه ی ورود شخصیت های بیشتری را به آن می دهد و از این رو طرح آن پیچیده تر و محیط اجتماعی آن پر تحول تر است. (سلیمانی ۱۳۶۶: ۱۱)

ویژگی رمان در این است که نویسنده می تواند درباره ی اشخاص داستان یا توسط ایشان سخن بگوید و ترتیبی بدهد که اوقاتی که با هم گفتگو دارند به سخنانشان گوش فرا دهیم. خواننده به حدیثی که مردم داستان با خود دارند دسترسی دارد و از آن مقام می تواند بیشتر به ژرفای نیمه خودآگاه آن ها دسترسی پیدا کند. (فورستر ۱۳۵۳: ۱۱۰)

امروزه در بیشتر زبان های اروپایی از اصطلاح رمان (Roman) استفاده می شود که مشتق از (Romance) قرون وسطی است البته در انگلیسی به جای رمان واژه ی دیگری را به کار می

برند (Novel) که بر گرفته از واژه ی ایتالیایی (Novella) به معنی چیز کوچک و تازه است و بر قصه ای کوتاه و منشور اطلاق می شده است. (سلیمانی ۱۳۶۶: ۱۲)

ویلیام هزلت (William Hazlitt) منتقد و نویسنده ی انگلیسی در قرن نوزدهم در خصوص رمان را این گونه می گوید:

«رمان داستانی است که بر اساس تقلیدی نزدیک به واقعیت، از آدمی و عادات و حالات بشری نوشته شده باشد و به نحوی از انحاء شالوده ی جامعه را در خود تصویر و منعکس کند.» (میر صادقی ۱۳۷۶: ۴۰۱)

اما این تعریف، تعریف جامع و کاملی نیست زیرا تمام نوع رمان را در بر نمی گیرد و شامل رمان های رئالیستی است و رمان های سوررئالیستی و تخیلی و در حقیقت رمان هایی که سرچشمه ی واقعیت در آن ها کم رنگ است در این تعریف نمی گنجد و نمی توان آن ها را در این طبقه بندی رمان جای داد.

داستان ها جهانی از تخیلات داستانی را شامل می شوند و نه فقط راجع به ادعای دنیای واقع در مورد همراه بودن با واقعیت، بلکه همچنین در خصوص نیروی برتر سامان های سرچشمه گرفته از منابع ساختارهای زبان به تعمق می پردازد. (پاینده ۱۳۸۳: ۷۰)

در فرهنگ آکسفورد رمان چنین تعریف می شود:

«نثر روایتی داستانی است که نسبتاً طولانی است و در آن شخصیت ها و اعمال که نماینده ی زندگی واقعی اند با طرحی که کمابیش پیچیده است تصویر شده اند.» (میر صادقی ۱۳۷۶: ۴۰۲)

دی اچ لارنس (D. H. Lawrence) نویسنده ی مشهور انگلیسی (۱۸۸۵-۱۹۳۰) برای رمان ارزش فوق العاده ای قائل شده است و آن را برتر از آثار هنری دیگر می داند: «کتابی روشن از زندگی که می تواند با گسترش و هدایت عمیق ترین جریان های احساس به یاری ما برخیزد

تا به وحدت و صلابت تازه ی هستی برسیم. کتاب ها زندگی نیستند، آن ها لرزشی در فضای
اثیری می افکنند. اما رمان ها در حکم عاملی تکان دهنده می توانند سراپای هستی آدم زنده را
به لرزه اندازند، این لرزه می تواند نیرومندتر از لرزش شعر، فلسفه، علم یا کتاب های تکان
دهنده ی دیگر باشد.» (همان: ۴۰۴)

لیویس (Leavis) ولارنس، دو نویسنده ی بزرگ معتقدند رمان به خاطر وسعت دید و توجه
اش به جزئیات واقعی می تواند زندگی را با تمامی سرشاری اش باز نمایی کند، در نتیجه به
نظر آن ها رمان از هر آن چه که هنرهای دیگر و علوم انسانی (مانند روانشناسی یا جامعه
شناسی) عرضه می کنند برتر است. افزون بر این، رمان می تواند ما را در سرشاری زندگی سهیم
کند. (برتنس ۱۳۸۷: ۳۱)

ادوین میور در کتاب ساخت رمان میگوید: ساده ترین صورت رمان مشور، داستانی است از
رویدادها و حوادث متوالی که عموماً شگفت آور و اعجاب انگیزند. (میور ۱۳۷۳: ۸)

شاید بتوان تعریفی را که در کتاب درآمدی بر داستان نویسی و روایت شناسی آمده است را
کامل تر از دیگر تعریف ها دانست زیرا رمان می تواند هم تقلیدی صرف از واقعیت باشد که
واقعیات جامعه را به تصویر بکشد مانند همان کاری که رئالیست ها و با شدت بیشتری
ناتورالیست ها انجام می دهند. و هم می تواند رمانی در خصوص ایده ها و افکار و ذهنیت
یک فرد به دور از واقعیت و اجتماع باشد؛ همچون نوشته های نویسندگان مدرنیست البته نباید
این نکته را نادیده گرفت که این نویسندگان جامعه و واقعیت را از رمان های خود حذف
نکرده اند، بلکه آن را کمرنگ تر نشان داده اند و نویسنده به دنبال تحول علت های درونی و
انگیزه ی شخصیت های داستانش است. و در حالت سوم رمانی با حوادث و رویداد های
خارق العاده باشد و اتفاقاتی که در آن رخ می دهد به دو از ذهن و واقعیت باشد و شخصیت
های داستان انسان ها نباشند مانند رمان های سور رئالیستی که تاکنون نوشته شده است.

«هر متنی که زاینده ی تخیل نویسنده باشد و صرف نظر از کیفیت و کمیت پای بندی نویسنده به واقعیت، یک یا چند شخصیت یا چند رویداد در تلاقی زمان و مکان واحد یا چندین گانه تصویر کند، داستان خوانده می شود.» (بی نیاز ۱۳۸۷: ۱۵)

در رمان شخصیت های مختلف و رویدادهای متعدد، در تلاقی گاه چندباره ی زمان و مکان به نمایش درمی آیند. داستان به مثابه ی اثری هنری، شخصیت ها و رخداد ها و حتی مکان هایی را که ممکن است غیرواقعی باشند واقعی جلوه می دهد و از این رو خواننده آن ها را واقعی می پندارد. مقوله ی "توهم واقعیت" «Illusion of Reality» به همین معنا اشاره دارد. (همان: ۱۵)

تا کنون نظریه پردازان به تعاریف متفاوتی از رمان پرداخته اند ولی از آن جایی که رمان شاخه ای از ادبیات محسوب می شود و ادبیات نسبی است؛ نمی توان نظر دقیق و کاملی را در خصوص آن ارائه داد، این ویژگی در خصوص رمان نیز مشاهده می شود.

۱-۲) رابطه ی رمان با ادبیات:

داستان شالوده ی هر اثر روایتی و نمایشی خلّاقانه است و از این نظر به معنای عام آن تقریباً مترادف ادبیات است. در واقع اگر مقوله ی شعر را از ادبیات جدا کنیم، داستان اصطلاح دیگری است برای ادبیات. در گذشته های دور شعر نیز به صورت روایتی آن معمول بود. «ایلیاد» و «ادیسه» اثر هومر در اصل به شعر روایتی بوده است. داستان معنایی عام دارد و معنای خاص. در معنای عامش تقریباً معادل ادبیات است که از آن به عنوان ادبیات تخیلی نیز یاد می کنند و در این معناست که می گوئیم داستان نمایشنامه، داستان فیلمنامه، داستان کوتاه، داستان رمان و... اما در معنای خاص آن مترادف و هم معنای ادبیات داستانی است. زیرا در عرف نقد ادبی امروز به قصه، داستان کوتاه، رمان و شاخه های ادبی آن ادبیات داستانی می گویند. (میرصادقی ۱۳۸۳: ۹۳)